

آسیب شناسی تفکر آرمانشهر در تمدن اسلامی و رویکردهای متفکران مسلمان

هوشنگ زارعی*

چکیده

علوم انسانی و نقش آن در تعالی و بهینه سازی زندگی انسان‌ها ضرورت توجه به این حوزه از علوم و مسائل مرتبط با آن را ضروری می‌سازد. از قرن سوم هجری به بعد و پس از طرح مبانی دینی و عقلی و ثبات سیاسی اجتماعی، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان در حوزه علوم انسانی سمت و سوی جدیدی یافت. حلّ و فصل مسائل با تأکید بر کرامت انسان بر مبنای مفهومی شکل گرفت که از آن به جامعه آرمانی یا مدینه فاضله تعبیر می‌شود. با افول تمدن اسلامی و نوزایی فکری غرب و سپس دوران استعمار و فترت فکری اندیشمندان مسلمان، این ویژگی تمدن اسلامی به انزوا کشیده شد. در دوران معاصر یک رویکرد بر قبول علوم انسانی ارائه شده از سوی غرب اعتقاد داشته و رویکرد دیگر که توسط مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌است، بر پیشرفت و توسعه مبانی نظری علوم انسانی - اسلامی مستقل از علوم انسانی غرب تأکید دارد. این رویکرد بر بازگشت به خویشتن فرهنگی و دینی پای می‌فشارد و خواستار جامعه آرمانی اسلامی است. مقاله در صدد آن است که علاوه بر بررسی چالش‌ها و موانع رشد تفکر آرمانشهر اسلامی، به تشابهات و تناقضات علوم انسانی غرب و علوم انسانی در حوزه تمدن اسلامی نیز نگاهی انتقادی داشته باشد. از این منظر از آنجا که در طول تاریخ حیات متفکران اجتماعی مسلمانان، دوگانگی‌های درونی و فشارهای خارجی امکان رسیدن به یک تفکر مسلط را ناممکن ساخته است، نیاز به دمیدن روحی تازه در حیات متفکران مسلمان احساس می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در واقع طلیعه این روح تازه

* کارشناس ارشد جامعه شناسی

است. بررسی حاضر با رویکردی تاریخی- تطبیقی و روش کتابخانه‌ای بر مبنای تمدن اسلامی، خواستار پاسخگویی به نیازسنجی ما، به میراث به جا مانده از تمدن اسلامی است و درباره امکان یا عدم امکان رسیدن به این جامعه ساکت است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، تمدن اسلامی، آرمانشهر، آسیب شناسی

مقدمه

علوم انسانی در حیطه موضوعی خود، فهم معمای انسان، تشخیص مسائل و ارائه طرحی برای رفع گرفتاری انسان را به عهده دارد، امر خطیری که بر گردن علوم انسانی گذاشته شده است و صاحبان اندیشه انسانی را در طول تاریخ به این امر واداشته است که راه‌های برون رفت از مشکلات را پی‌جویی کنند و از ضرورت تعالی انسان سخن برانند... تحولات جدید سیاسی، اجتماعی ضرورت نیاز ما، به علوم انسانی را نمایان‌تر از پیش می‌سازد. سیر تمدن اسلامی نشان داده است که هرگاه و در هر دوره‌ای که مسلمین توان آن را یافته‌اند که آزادانه اندیشه کنند، به سرعت حرکت به سمت تعالی اجتماعی را آغاز کرده‌اند. در این میان دوگانه عوامل درونی و بیرونی دست در دست هم و در طول تاریخ به طرق مختلف حرکت تمدن انسان‌ساز اسلامی را با چالش روبرو کرده‌اند. علوم انسانی در واقع پاسخگوی نیاز ما به آسیب‌هایی است که بر تمدن انسانی وارد می‌شود.

طرح مسأله

نامطلوب بودن وضع موجود و تصور امکان نیل به وضعی مطلوب‌تر در طول تاریخ برانگیزاننده متفکران بزرگ علوم انسانی بوده است، تا با ترسیم یک جامعه آرمانی، وظیفه خطیر علوم انسانی در راه به کمال رساندن انسان را بیش از پیش آشکار سازند.

در این میان متفکرین مسلمان^۱ نیز با تکیه بر عناصر اساسی دین مبین اسلام و بر مبنای ارتباطات چهارگانه ترسیم شده در قرآن، یعنی؛ الف) ارتباط انسان با خدا، ب) ارتباط

۱. مراد از متفکران مسلمان، متفکرینی است که در حاشیه متن مقدس قرآن و سنت پیامبر به تفکر پرداخته‌اند. تفکر این گروه متأثر از آموزه‌های دینی است و در نظریاتشان به متون دینی استناد می‌کنند. بدیهی است مقاله با تکیه بر نظریات متفکران مسلمان، در حوزه تمدن ایرانی نگاشته شده است.